

📄 نقل قول

خانه‌ام را می‌فروشم و مستندم را می‌سازم

جواد قرایی که قصه دارد مجموعه مستند «سفر به سرزمین رؤیایا» را بسازد، درباره ساخت این مجموعه مستند گفت: با اینکه درآمد خوبی از نفت، گاز و معدن داریم، اما مسئولان ما هیچ اقدامی در این خصوص نمی‌کنند، بنابراین به خود می‌گویم من به عنوان یک ایرانی خونم رنگین‌تر از شهیدان نیست و هر چقدر که بتوانم برای یک مملکت کار می‌کنم، در نتیجه به این فکر افتادم که خانه خود

را بفروشم و مستند «سفر به سرزمین رؤیایا» را بسازم. این مستند را به خیلی جاها ارائه کرده‌ام، اما نه آقای ضرغامی و نه سازمان صداوسیما حمایت نکردند. این مستند، درباره فرهنگ، تاریخ، تمدن و هنر آن چیزی است که مربوط به ایران می‌شود.

قصه پویانمایی ایرانی جهانی نیست

بهرام عظیمی مشکلات ساخت پویانمایی در ایران را اینگونه توضیح داد: ما در حال حاضر دو مشکل اساسی داریم؛ یکی جمع کردن تیم حرفه‌ای سخت است. به علت سوءمدیریت یک دهه اخیر، خیلی از انیماتورهای حرفه‌ای از ایران رفته‌اند یا همین‌جا برای کشورهای دیگر کار می‌کنند. الان شخصی برای کمپانی خارجی کار می‌کند و وقتی به او پیشنهاد کار دهید، می‌گوید من الان ماهی ۵هزار دلار می‌گیرم و شما می‌خواهید چقدر به من بدهید. دیگری اینکه قصه‌های‌مان

جهانی و بین‌المللی نیست. ما اثری در ایران نداریم که مثل پویانمایی ۸سال پیش دیزنی بشوان آن را همچنان دید و قصه و شخصیت‌هایش را قبول کرد. مردم دوست دارند پویانمایی‌های ایرانی را ببینند. در داخل بیننده داریم، ولی قصه‌های‌مان بین‌المللی نیست. ما با همین تکنیک‌های می‌توانیم پویانمایی‌های‌مان را جهانی کنیم، به شرطی که مشکلات‌مان را در قصه‌گفتن برطرف کنیم.



جعفر یاحقی، استاد ممتاز ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد گفت: به واسطه مشکلاتی که در برخی کشورهای همسایه وجود دارد، زبان فارسی دچار ضعف شده است. استادان زبان فارسی باید مراقب این وضعیت باشند. وضعیت زبان فارسی در چند سال اخیر، اسفناکیز و آن هیمه‌ای که داشته، امروز خدشه‌دار شده است. در واقع، زبان فارسی در کشورهای همسایه اسیر سرپیچه فرهنگ غربی شده است. فرهنگ، دستور و واژگان زبان فارسی دارد آسیب می‌بیند. باید نسبت به شرایط زبان فارسی مراقب باشیم و یکپارچگی‌مان را حفظ کنیم.

جوک‌های اینستاگرامی را فیلم می‌کنند!

فاطمه گوهرزی انتقادش از کیفیت پایین فیلم‌های سینمایی را چنین بیان کرد: ما هم به‌عنوان هنرمند مقصریم که در سینما سطح سلیقه مردم آنقدر پایین آمده که به تماشای یکسری کارهای کم‌دلی می‌نشینند که حتی اسم‌شان هم جذاب نیست. ما هم به عنوان اهالی سینما مقصریم که یکسری جوک‌های اینستاگرامی به صورت فیلم درمی‌آیند و یک قصه کماکان ضعیفی در آن گذاشته و از سوی هنرمندانی که برخی از آنها برای مردم محبوب هستند، ساخته می‌شود و به فروش هم می‌روند. نمی‌دانم، شاید هم مجبورند کار کنند که این اتفاق‌ها در حال وقوع است، چون برخی از اینها هنرمندان درجه‌یک هستند یا اینکه خودشان انتخاب کرده‌اند و دوست دارند. نمی‌خواهم کسی را قضاوت کنم، اما من راضی نیستم.

هنر و ادبیات

گروه سینما و ادبیات ۸۵۵۲۳۰۶۰

گفت‌وگوی «جوان» با میثم حسینی، کارگردان پویانمایی سینمایی «ببعی قهرمان»

پویانمایی حمایت‌شود ارزآوری خوبی خواهد داشت

■ احمد جوان

پویانمایی سینمایی «ببعی قهرمان» که بر اساس شخصیت محبوب تلویزیونی ساخته‌شده از هفتم مهر ماه ۱۴۰۳ روی پرده سینماها رفته و تا الان استقبال بالایی مخاطبان را به خود دیده است. این فیلم به کارگردانی مشترک حسین صفرازادگان و میثم حسینی و تهیه‌کنندگی محمدمهدی مشکوری محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که بر اساس نسخه سریالی آن ساخته شده است. ببعی در شبکه پویا به محبوبیت دست یافت و حالا همین اتفاق

آقای حسینی شما به چه شکلی به عنوان کارگردان پویانمایی سینمایی «ببعی قهرمان» به گروه سازنده اضافه شدید؟

آشنایی‌ای که من از قبل با تهیه‌کننده داشتم، باعث شد فرصت همکاری در پروژه سینمایی پویانمایی «ببعی قهرمان» را به دست آورم. تجربه موفق نسخه تلویزیونی، سازندگان را بر آن داشت برای مخاطب‌های وفادار آن، محصول سینمایی تولید کنند، از این رو ارزش کار کردن داشت و تولید پویانمایی سه بعدی «ببعی قهرمان» آغاز شد.

هدف‌گذاری شما همان مخاطبان نسخه سریالی بود؟

تصمیم اولیه بر این اساس گرفته شده بود که تولید برای مخاطبان وفادار این مجموعه پویانمایی باشد؛ مخاطبان وفاداری که بعد از ساخت کامل ورژن سینمایی، بزرگ‌تر شده و وارد گروه سنی کودک شده‌اند، در نتیجه روایت داستان و انتخاب مضمون روایی آن با توجه به این گروه سنی، اتود زده شد.

درباره نحوه انتخاب موضوع پویانمایی سینمایی «ببعی قهرمان» هم توضیح می‌دهید؟

برای انتخاب مضمون، گزینه‌های متعددی مطرح شد که امید و آرزو بیشتر مورد توجه قرار گرفت. موضوع کتابخوانی، خانواده و از خودگذشتگی دیگر موضوعاتی بود که تلاش شد همبای مضمون اصلی پیش برده شود.

برای اینکه چنین مفاهیمی گل در شست نشود، چه دغدغه‌هایی وجود داشت؟

لازم بود فیلمنامه به گونه‌ای پیش برود که بتواند مضامین مختلف را در برگیرد، به صورتی که چندان نوری ذوق نرزد و انتقال مضامین مدنظر به شکل صحیح صورت گیرد. برای رسیدن به این هدف زمان نگارش و پیش بردن این پویانمایی از مشورت کارشناسان متعددی بهره گرفتیم. از آنها درخواست می‌کردیم کار را ببینند و نظرات خود را ارائه دهند. آن نظرات سازنده و کارشناسی‌شده استفاده کردیم و تلاش شد انتقادهایی را که به کار وارد می‌شود تا حد امکان برطرف کنیم.

در این مسیر با چه چالش‌هایی مواجه شدید؟

برای رسیدن به این هدف، مسیر دشواری طی شد. برای آنکه همزمان هم قصه‌گو و هم آموزنده باشند با چالش‌های متعددی مواجه بودیم. ضمن آنکه لازم بود پویانمایی به صورت سه‌بعدی ساخته شود. همزمانی پیش بردن این موارد بسیار دشوار بود، اما خدا را شکر با توجه به بازخوردهای که داشتیم، به نظر می‌رسد در این مسیر موفق پیش رفتیم.از آنجا که از نظر بومی قصه‌گویی بلد هستیم، با وجود نداشتن فیلمنامه‌نویس متخصص در حوزه پویانمایی کودک تلاش‌ها در این زمینه موفقیت‌آمیز بود، چون یک تیم پای‌اسن کار قرار داشت. کارگردان، تهیه‌کننده، فیلمنامه‌نویس و دیگر عواملی که به‌عنوان مشاور حضور



داشند کار را به صورت مدیریت‌شده پیش می‌بردند، اما بخش فنی بخش بسیار دشوار این پروژه بود.

به‌طور مصداقی صحبت می‌کنید؟

با وجود آنکه مسئولی به عنوان مدیر تولید وجود دارد، اما تعریف وظایف مدیر تولید در کشور ما متفاوت است. گروهی به

عنوان گروه تولید باید وجود داشته باشد که همبای پروژه پیش برود، چون پیشبرد پروژه نیز بسیار مهم است. آنجا که چنین بخشی وجود ندارد، گروه کارگردانی باید بخش مدیریت تولید و پیش‌بردن تولید را نیز در دست بگیرد. نه از نظر بودجه و نه از نظر ساختاری، تعریفی در این زمینه وجود ندارد، از این رو تیم تولید به یک دستاورد رسید و آن استفاده از نرم‌افزار کنترل پروژه سه‌بعدی بود که به جامعه پویانمایی کشور معرفی کردیم. این نرم‌افزار اوپن سورس یا منبع باز است که به صورت رایگان می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد و تا

قبل از استفاده تیم ما کسی از آن اطلاعی نداشت. اما در حال حاضر پروژه‌های زیادی از این نرم‌افزار استفاده می‌کنند.

با توجه به چنین برنامه‌ریزی‌هایی که بیشتر به‌جمله‌ای از سریع‌ترین زمان یعنی سه سال «ببعی قهرمان» را به اتمام رسانیم.

در صحبت‌های فعالان پویانمایی به معضل اشاره می‌شود و آن مهاجرت متخصصان این حوزه است. به نظر شما دلیل این اتفاق ناخوشایند چیست؟

با وجود آنکه افسراد متخصص در حوزه پویانمایی در کشور حضور دارند و فعالیت می‌کنند اما کسانی که در تلاش بین‌المللی هستند، به دلیل مسائل اقتصادی و حمایتی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. در استودیوهای بزرگ خارجی برای ساخت هر پویانمایی بین ۵۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار هزینه می‌شود. این رقم در ایران نهایت به ۵۰۰ هزار دلار برسد، از این رو بسیاری از افراد متخصص تصمیم به مهاجرت می‌گیرند؛ اتفاقی که در همین پروژه نیز رخ داد و سه نفر از افراد متخصص از ایران رفتند.

برای ورژن سینمایی آن در حال تکرار است. «ببعی قهرمان» فیلمی است که بار دیگر پیشرفت صنعت پویانمایی در ایران را یادآور می‌شود، یعنی جدا از داستان جذاب و امیددی که به مخاطب کودک می‌دهد، به آثار استاندارد جهانی تنه می‌زند. به مناسبت برگزاری جشنواره فیلم کودک و نوجوان در اصفهان و استقبال بالای مخاطبان از این پویانمایی با میثم حسینی یکی از کارگردان‌های پویانمایی سینمایی «ببعی قهرمان» به گفت‌وگو پرداختیم تا به شکلی بهتر از جزئیات و روند شکل‌گیری و ساخت پویانمایی اطلاع پیدا کنیم.

با توجه به همه مشکلاتی که اشاره کردید، محصول کار شما موفق بوده است؟

بله، با وجود هزینه‌های اندک تولید، «ببعی قهرمان» توانست دستاورد خوبی داشته باشد و برای آن اتفاقات خوبی همچون اکران بین‌المللی رقم بخورد. امیدوارم با بازشدن بازارهای بین‌المللی با وجود تحریم‌ها برای تولیدات هنری ارزآوری خوبی صورت گیرد و باعث تأمین مالی بهتر شود تا از رتغن نیروهای متخصص جلوگیری شود و تولیدات قوی‌تری داشته باشیم.

جشنواره فیلم فجر و بترین سینمای ایران است و تشویق‌ها می‌تواند انگیزه مضاعف فیلمسازان شود. از اتفاقی که برای «ببعی قهرمان» رخ داد، راضی هستید؟

در دوران جشنواره با یکی از داوران صحبت می‌کردم، به او گفتم امسال یک سال متفاوت برای پویانمایی سینمایی بود و چهار پویانمایی در آن حضور داشتند و اگر جایزه‌ای به هر کدام از آنها تعلق می‌گرفت، آن جایزه برای پویانمایی کشور بود، اما به هر حال تصمیم و نظر داوران جشنواره دیگری بود. البته نمی‌دانم حضور پویانمایی در جشنواره فجر که فیلم‌های رتال در آن بیشترین مخاطب آن هستند، درست است یا خیر، با وجود این بازخوردهای مثبتی در جشنواره داشتیم و اکران‌های اختصاصی که برای کودکان و کودکان کار برگزار شد، سب‌بعدی بود که به جامعه پویانمایی کشور معرفی کردیم. این نرم‌افزار اوپن سورس یا منبع باز است که به صورت رایگان می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد و تا قبل از استفاده تیم ما کسی از آن اطلاعی نداشت. اما در حال حاضر پروژه‌های زیادی از این نرم‌افزار استفاده می‌کنند.

با توجه به چنین برنامه‌ریزی‌هایی که بیشتر به‌جمله‌ای از سریع‌ترین زمان یعنی سه سال «ببعی قهرمان» را به اتمام رسانیم.

به نظر شما امکان ساختن دنباله پویانمایی سینمایی «ببعی قهرمان» وجود دارد؟

بله، ظرفیت ادامه دادن این اثر وجود دارد و داستان‌های جذابی را می‌توان در فرمت سینمایی پیش برد. ضمن آنکه جای قدردانی دارد سازمان هنری اوج در ساخت اثر مربوط به کودک و نوجوان ورود کرده است. امیدوارم حمایت از استودیوهای تولید پویانمایی از سوی سازمان‌ها و ارگان‌های دیگر نیز ادامه داشته باشد تا هر سال شاهد تولیدات بهتر، قوی‌تر و مخاطب‌پسندتر باشیم که بهترین نتیجه آن ارزآوری برای کشور خواهد بود.

نگاهی به مفاهیم انسان‌گرایانه فیلم «در آغوش درخت»

بهشتی به نام خانواده

■ احمد محمدتیریزی

«خانواده» اصلی‌ترین و مرگزی‌ترین مفهومی است که بابک خواجه‌پاشا در فیلم «در آغوش درخت» به آن می‌پردازد. برای کارگردان مفهوم خانواده، امری ناگسستنی و جدانشدنی است و خواجه‌پاشا بنای داستان را بر همین اساس گذاشته است. در منظر فیلمساز، خانواده اگر دچار گسست شود، دیگر آن معنای اولیه خود را از دست می‌دهد. اعضای یک خانواده در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند و جلدشان آنها را همدیگر، خانواده را دچار فروپاشی می‌کند. خانواده‌ای کامل است که در آن پدر و مادر و فرزندان در کنار هم زندگی کنند و هر گونه تلاشی جهت جفافاندن اعضا، خلل بزرگی به مفهوم خانواده وارد می‌کند.



■ معصومیت دنیای کودکان

خواجه‌پاشا برای طرح موضوع و تأثیرگذاری بیشتر فیلم سراغ کودکان رفته است. او در طول فیلم تا حدودی از دنیای پدر و مادر فاصله می‌گیرد و خودش را به دنیای بچه‌ها نزدیک می‌کند. تمهید خوبی هم است چرا که اثرگذاری و هیجان فیلم را دوچندان می‌کند. کیمیا و فرید پس از ۱۲ سال، تصمیم به جدایی گرفته‌اند. آنها دو پسر بچه بازگوش و شاد دارند که در کی از واژه طلاق و جدایی ندارند. آنها در طبیعت زیبایی ارومیه و در کنار هم، مشغول بازی و لذت بردن از دنیای ساده کودکانه‌شان هستند و نمی‌دانند طلاق چه اثر سهمگینی برای روابط میان‌شان خواهد انداخت. در فیلم هر چقدر پدر و مادر از هم دور هستند، فرزندان به هم نزدیکند و محبت و عاطفه زیادی بین‌شان وجود دارد. وجود آنها مثل آهن‌ربایی کوچک، اجازه متلاشی شدن خانواده را نداده است. الان فقط آنها هستند که صمیمیت و شور را به خانواده تزریق می‌کنند و به دنیای خاکستری و بدون رنگ پدر و مادرشان، رنگ می‌پاشند.

هر چقدر دنیای کودکان بدون آلودگی باشد، از آن سمت پدر و مادر برای جلدشدن و طلاق‌شان در حال برنامه‌ریزی هستند. توافق‌شان هم بر این است که بچه‌ها را از هم جدا کنند و هر کدام‌شان پیش یکی از والدین زندگی کنند.

اما راهکار خشک و خشن، اگر چه به لحاظ قانونی و حقوقی کار را برای پدر و مادر آسان می‌کند، اما حکم ویرانی را برای بچه‌ها دارد. دو برادری که تمام طول روزشان را باهم مشغول بازی هستند، مگر می‌شود به این راحتی از هم جدا کرد؟ در منطق ساده کودکان چنین چیزی امری محال به نظر می‌رسد. برای آنها مهر و محبت میان اعضای خانواده امری دائمی است که برای همیشه باید برقرار باشد.



■ تلنگری جدی به پدر و مادر

پدر و مادر تلاش دارند میان برادران فاصله بیندازند و آنها را به دوری از هم عادت دهند، ولی عملی کردن این کار به سادگی شذنی نیست. شاید آدم‌های بزرگ دوری و جدایی را تاب بیاورند ولی بچه‌ها توان تحمل آن ندارند.

کارگردان خیلی به دنبال طرح دلایل اختلاف میان زن و شوهرش نبوده است. برای او روایت آخرین مراحل این جدایی از اهمیت بیشتری برخوردار است. مرحله‌ای که به نظر، سخت‌ترین جای کار می‌رسد. وقتی که هر دو طرف باید خودشان را برای شروع دوره‌ای سخت آماده کنند؛ دو طرفی که می‌خواهند برای همیشه از کنار یکدیگر بروند و خیلی متوجه تبعات این رفتن نیستند.

در چنین بزنگاه‌هایی همیشه کسی تلنگر، آدم‌های درگیر ماجرا را به خودشان می‌آورد. برای کیمیا و فرید نیز تلنگر به شدیدترین شکل وارد می‌شود. طها و علیسان هنگام بازی با اردک‌های‌شان در کنار رودخانه ناپدید می‌شوند کسی هیچ خبری از آنها ندارد. گمشدن فرزندان، دراماتیک‌ترین بخش ماجراست. برای مخاطبی که تا میانه‌های فیلم به این دو برادر و دنیای کودکانه‌شان نزدیک شده، فقدان و جست‌وجو برای پیدا کردن‌شان در ناک به نظر می‌رسد. دقیقاً مشخص نیست چه بلایی سر پسرها آمده و پدر و مادرشان با ترس و وحشتی تمام‌تندنی به دنبال آنها می‌گردند. کیمیا و فرید حالا به صورت عینی و واقعی متوجه خلأ و نبود فرزندان‌شان شده‌اند. اگر آنها تا قبل از این در حد حرف از جدا کردن بچه‌ها سخن می‌گفتند، حالا با چشم‌های خودشان می‌دیدند که نبود بچه‌ها چه ضرر به‌سنگینی به آنها خواهد زد.



■ در آغوش خانواده

تلاش‌های مداوم پدر و مادر پس از تقریباً یک روز به سرانجام می‌رسد. آنها بچه‌ها را در باغی بزرگ می‌بینند که کنار هم به خواب رفته‌اند. پدر و مادر شبانان خودشان را به بچه‌ها می‌رسانند و آنها را در آغوش می‌گیرند. حالا پس از مدتی دوباره اعضای خانواده همه در یک قاب قرار گرفته‌اند و می‌توان خانواده به معنای واقعی‌اش را مشاهده کرد.

فیلمساز با فضاسازی و نورپردازی خاص خودش در سکانس آخر فیلم، قابی زیبا شش‌بیه بهشت طراحی کرده است. مثل اینکه این به هم رسیدن خانواده مثل تصویری بهشتی زیبا و دوست‌داشتنی است. پس از جست‌وجو و دلپره‌های پدر و مادر برای پیدا کردن بچه‌ها، حالا آرامشی ناب همه‌جا را گرفته است. همین جدا افتادن یک‌روزه شاید آنها را بهتر از همیشه متوجه تلخی‌ها و سختی‌های جدا کردن همیشگی بیندازد.

فیلمساز تصمیم گرفته است اثرش را با همین سکانس شیرین و تأثیرگذار به پایان برساند. برای او درک فقدان بچه‌ها و حس دوباره به هم رسیدن همه اعضای خانواده از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. قطعا کیمیا و فرید دیگر آن آدم‌های اول فیلم نیستند. تلاش‌شان برای پیدا کردن بچه‌ها، آنها را پس از مدت‌ها به هم نزدیک کرد. برای مدت کوتاهی طعم تلخ از دست دادن و فقدان را چشیدند و از این پس با احتیاط بیشتری مراقب زندگی‌شان هستند. آنها در آن باغ زیبا، متوجه اهمیت خانواده و تلاش اعضای آن برای نجات همدیگر شدند و فهمیدند رابطه میان پدر و مادر و فرزندان، چیزی نیست که به این سادگی گسستنی باشد.